فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره سیزدهم (زمستان۱۴۰۱)

روش های انتقال مطلب، ارتباط با دانش آموز و شیوه های مدیریت کلاس درس

(تاریخ ارسال ۱۴۰۱/۰۹/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۱۲/۲۰)

مریم رحیمی نیا[۱]
معصومه رحیمی نیا
فاطمه رحیمی برجی

چکیده

بیشتر ارتباط های معلمان و مدرسین از راه کلام صورت می گیرد و آموزگاران غالبا برای انتقال مطالب خود، سخن می گویند. در حالی که صحبت کردن و سخن گفتن، به تنهایی، بدترین و کم اثرترین شیوه انتقال است. تحقیقات نشان داده است که تنها درصد کمی از اطلاعات از طریق کلام منتقل می شوند. البته اگرچه کلام، اولین راه برقراری ارتباط است اما باید توجه داشت این روش کم اثرترین تاثیر را در مخاطب می گذارد. مهارت ارائه مطلب و مهارت سخنرانی از جمله مهارتهای مهمی هستند که می‌توانند نقش قابل توجهی در موفقیت شغلی و موفقیت تحصیلی شخص داشته باشند. اگر چه گاهی اوقات عنوان این دو مهارت به جای یکدیگر به کار برده می‌شود، ما در متمم مهارت ارائه مطلب را بحثی بزرگتر و گسترده‌تر می‌دانیم که مهارت سخنرانی یکی از زیرمجموعه‌های آن است. به همین دلیل و به واسطه اهمیت بسیار بالای موضوع در این پژوهش قصد داریم به بررسی روش های انتقال مطلب، ارتباط با دانش آموز و شیوه های مدیریت کلاس درس بپردازیم و با الگوهای انتقال مطلب و آشنایی کامل با این روش ها بپردازیم. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و ابزار گردآوری داده ها فیش برداری از کتب و مقالات مرتبط می باشد.

واژگان کلیدی: دانش آموز، کلاس درس، معلم، روش تدریس، انتقال مطلب، مدیریت کلاس

---

[۱] نویسنده مسئول

بخش اول: بررسی و شناخت واژه روش تدریس

از نظر دیوید لانجرن، تدریس فرایند پیچیده وازقبل برنامه ریزی شده ای است که توسط معلم در کلاس اجراء می شود وهدف عمده اش ایجاد درگیری و تعامل عینی وذهنی یادگیرنده بامطالب یادگرفتنی می باشد. اگر بخواهیم به صورت لغوی واژه روش تدریس را معنا کنیم باید گفت روش تدریس عبارت از راه منظم، با قاعده و منطقی برای ارائه درس می باشد. « در تعریف اصطلاحی تدریس عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد، بر اساس طراحی منظم و هدفدار معلم، برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد. تدریس مفاهیم مختلف مانند نگرشها، گرایشها، باورها، عادتها و شیوه های رفتار وبه طور کلی انواع تغییراتی راکه می خواهیم در شاگردان ایجاد کنیم، دربر می گیرد. » (میرزا محمدی، ص ۱۷، ۱۳۸۳) بر اساس تعریف برخی دانشمندان روش تدریس (به انگلیسی: Teaching Method) روش سازمان‌دهی شکل یادگیری با هدف برآورده شدن یک هدف آموزشی خاص، یا به جای گذاردن یک اثر یادگیری خاص است. آموزش برنامه‌ای، سخنرانی، و نمایش عملی مثال‌هایی از روش تدریس محسوب می‌شوند. در رابطه با فاکتور موفقیت در تدریس و آموزش مطلب باید توجه داشت هر استاد و مدرسی ممکن است روش تدریس خاص و مخصوص خود را داشته باشد. یک معلم برای اینکه در کار خود موفق باشد بهتر است که با علاقه به تدریس روی آورده باشد. وقتی یک استاد با علاقه کار تدریس را انجام می دهد هر روشی را که برای ارائه درس استفاده کند مورد رضایت شاگردهای ایشان خواهد بود. استادی که به درس ریاضی علاقه دارد باید در زمینه تدریس ریاضی فعالیت کند و به این ترتیب بیشترین بازدهی را خواهد داشت. معلمی که به درس فیزیک علاقه دارد اگر فیزیک تدریس کند چون خودش به مباحث علاقه دارد خلاقیت هم به خرج می دهد و روش های جدید و نوینی را برای تدریس ارائه می نماید. بنابراین علاقه به درس تدریسی شخص می تواند منشاء کشف روش های جدید تدریس باشد. در

کنـار آن تسـلط بـر درس هـم بسـیار مهـم اسـت. وقتـی اسـتاد بسـیار خـوب درس را مسـلط اسـت بـه جـای اینکـه حواسـش پـیش ایـن باشـد کـه درس را درسـت تـدریس کند، خلاقیت به خـرج مـی دهـد و بـا روش هـای جدیـدی تـدریس را انجـام مـی دهـد. یکی از بهترین راهکارهـا بـرای داشـتن تـدریس جـذاب و حرفـه ای ایـن اسـت کـه فقـط بـه جـای حـرف زدن سـعی کنـیم شـاگرد را بـا مباحـث درگیـر نمـوده و کـار عملـی و تجربی هم به کـلاس اضـافه نمـائیم. همچنـین در متـدهای آموزشـی جدیـد، آمـوزش بـر اسـاس تعامـل صـورت مـی گیـرد، تعامـل بـین معلـم و دانـش آمـوز. یعنـی دیگـر قـرار نیست دانش آموز سـر جایشـان نشسـته و فقـط نظـاره گـر معلمشـان باشـند، بلکـه بایـد به شـیوه هـای فعـال در فراینـد آموزشـی ایفـای نقـش کننـد. افـرادی مثـل ژان پیـاژه و ویگوتسکی اولین کسانی بودنـد کـه ایـن امـر را مطـرح کردنـد. فعالیـت دانـش آمـوزان و نیـز شـرکت ایشـان در رونـد آموزشـی مـی توانـد بـه صـورت گروهـی یـا منفـرد صـورت بگیرد. مساله اصلی ای که در شـرایط فعـالی مطـرح مـی شـود، ایـن اسـت کـه چـرا بایـد بـرای همـه ی شـاخه هـای درسـی، از شـیوه ی آموزشـی یکسـانی اسـتفاده کـرد؟! چـرا بایـد همـه ی معلمـانی کـه در دانشـگاه تربیـت مـی شـوند، بـه یـک شـیوه آمـوزش داده شـوند؟امروزه متخصصـان در ایـن زمینـه معتقدنـد معلمـان در هـر رشـته، بایـد بـه صورتی منحصر به فرد آموزش داده شوند.

بنـد اول: بررسـی ویژگـی هـای خـاص روش هـای تـدریس و عوامـل درون مدرسه ای موثر در تدریس

« اصـطلاح تـدریس، اگرچـه در متـون علـوم تربیتـی مفهـومی آشـنا بـه نظـر مـی رسـد، اکثـر معلمـان و مجریـان برنامـه هـای درسـی بـا معنـی و ماهیـت درسـت آن آشـنایی دارند. برداشتهای مختلـف معلمـان از مفهـوم تـدریس مـی توانـد در نگـرش آنـان نسـبت به دانـش آمـوزان و نحـوه ی کـار کـردن بـا آنهـا تأثیرمثبـت یـا منفـی بـر جـای گـذارد. برداشـت چنـد گانـه از مفهـوم تـدریس مـی توانـد دلایـل مختلفـی داشـته باشـد؛از مهمتـرین آنهـا ضـعف دانـش پایـه و اخـتلاف در ترجمـه و برداشـت نادرسـت معلمـان از

دیـدگاههای مختلـف تربیتـی اسـت. گـاهی آشـفتگی و اغتشـاش در درک مفـاهیم تربیتـی بـه حـدی اسـت کـه بسـیاری از کارشناسـان، معلمـان و دانشـجویان ایـن رشـته مفاهیمی چون پرورش، آمـوزش، تـدریس و حرفـه آمـوزی را یکـی تصـور مـی کننـد وبـه جای هم به کار مـی برنـد. ایـن مفـاهیم اگـر چـه ممکـن اسـت در برخـی جهـات وجـوه مشـترک و در هـم تنیـده داشـته باشـند، اصـولاً مفـاهیم مسـتقلی هسـتند و معنـای خاص خود را دارنـد. پـرورش یـا تربیـت «جریـانی اسـت مـنظم و مسـتمر کـه هـدف آن هـدایت رشـد جسـمانی، شـناختی، اخلاقـی و اجتمـاعی یـا بـه طـور کلـی رشـد همـه جانبـه شخصـیت دانـش آمـوزان در جهـت کسـب و درک معـارف بشـری و هنجارهـای مـورد پـذیرش جامعـه و نیـز کمـک بـه شـکوفا شـدن اسـتعداد آنـان اسـت » (سـیف، ۱۳۷۹، ۲۸). بـر اسـاس چنـین تعریفـی پـرورش یـک نظـام اسـت، نظـامی کـه کـارکرد اساسـی اش شـکوفا کـردن اسـتعداد و تربیـت شـهروندانی اسـت کـه هنجارهـای مـورد پـذیرش جامعـه راکسـب کننـد و متعهـد بـه ارزشـهای آن باشـند. حتـی بسـیاری از صـاحب نظـران تربیتـی کـارکردی فراتـر از کـارکرد ذکـر شـده بـرای پـرورش قائلنـد و معتقدند که القای ارزشـها و سـنتها و اخلاقیـات پذیرفتـه شـده جامعـه بـه افـراد یکـی از قـدیمی تـرین دیـدگاه پرورشـی اسـت، بـه جـای چنـین کـارکردی، نظـام تربیتـی بایـد رشـد مهارتهـای شـناختی از قبیـل تفکـر انتقـادی، تحلیـل ارزشـها و مهارتهـای گروهـی را در کانون کارکردهـای خـود قـرار دهـد تـا زمینـه ی مـردم سـالاری در جامعـه فـراهم شود. (میلر، ۱۹۸۳) گروهی دیگر نیز بر ایـن باورنـد کـه نظـام تربیتـی بایـد عامـل تغییـر و تحول اجتماعی باشـد. تحلیـل مفـاهیم و کارکردهـای ذکـر شـده نشـان مـی دهـد کـه به هیچ وجه نمی تـوان مفهـوم «پـرورش » را بـا مفـاهیمی چـون آمـوزش، تـدریس و یـا حرفه آموزی یکی دانسـت. پـرورش مفـومی کلـی اسـت کـه مـی توانـد سـایر مفـاهیم را در درون خـود جـای دهـد. مفهـوم آمـوزش بـرخلاف پـرورش یـک نظـام نیسـت، بلکـه آمـوزش فعـالیتی اسـت هدفـدار واز پـیش طراحـی شـده، کـه هـدفش فـراهم کـردن فرصـتها و موقعیـت هـایی اسـت امـر یـادگیری را در درون یـک نظـام پرورشـی تسـهیل کنـد و سـرعت بخشـد. بنـابراین آمـوزش وسـیله ای اسـت بـرای پـرورش، نـه خـود

پـرورش. آمـوزش یـک فعالیـت مشـخص و دقیـق طراحـی شـده اسـت؛پس هـدفهای آن دقیـق تـر و مشخصـتر و زودرسـتر از هـدفهای پرورشـی اسـت. آمـوزش ممکـن اسـت بـا حضور معلم ویا بـدون حضـور معلـم از طریـق فـیلم، رادیـو، تلویزیـون و سـایر رسـانه هـا صـورت گیـرد. مفهـوم تـدریس بـه آن قسـمت از فعالیـت هـای آموزشـی کـه بـا حضـور معلـم در کـلاس درس اتفـاق مـی افتـد اطـلاق مـی شـود. تـدریس بخشـی از آمـوزش اسـت و همچـون آمـوزش یـک سلسـله فعالیـت هـای مـنظم، هدفـدار واز پـیش تعیـین شـده را در بـر مـی گیـرد و هـدفش ایجـاد شـرایط مطلـوب یـادگیری از سـوی معلـم اسـت. بـه آن قسـمت از فعالیـت هـای آموزشـی کـه بـه وسـیله ی رسـانه هـا و بـدون حضور و تعامل معلم بـا دانـش آمـوزان صـورت مـی گیـرد بـه هـیچ وجـه تـدریس گفتـه نمی شود. بنابر این آمـوزش معنـایی عـامتر از تـدریس دارد. بـه عبـارت دیگـر مـی تـوان گفت هر تدریسی آموزش اسـت، ولـی هـر آموزشـی ممکـن اسـت تـدریس نباشـد. چهـار ویژگی خاص در تعریف تدریس وجود دارد که عبارتند از :

الف) وجود تعامل بین معلم و دانش آموزان

ب) فعالیت بر اساس اهداف معین واز پیش تعیین شده

ج) طراحی منظم با توجه به موقعیت و امکانات

د) ایجاد فرصت و تسهیل یادگیری. » (شعبانی، ص ۹، ۱۳۹۶)

از نظر کومیز عوامل درون مدرسه ای موثر در تدریس عبارتند از:

۱- اهداف آموزش

۲- برنامه های درسی

۳- معلمان

۴- روش های تدریس

۵- تکنولوژی آموزشی. یادگیری دانش آموزان درمدارس به عوامل بسیار زیادی ازجمله : "سوابق خانوادگی –انگیزه دانش آموزان از تحصیل - برنامه ریزی درسی – زمان اختصاص یافته به آموزش وتمرین – توانایی دبیران دراداره کلاس – موقعیت وتحصیلات دبیران ورفتار انان درکلاس بستگی دارد" از جمله عواملی که می تواند در بهبود کیفیت تدریس موثر واقع شود عبارتند از:

۱- شناخت دانش آموزان وصمیمی بودن با آنها (سوابق خانوادگی، شخصیتی، بیماری، ذهنی و. . .)

۲- ایجاد انگیزه وتشویق دانش آموزان

۳- مشارکت دانش آموزان درفرایند یادگیری(به تفکر واداشتن دانش آموزان وایجاد مساله برای آنها)

۴- به کاربردن شیوه های مناسب تدریس

۵- مراعات اصول ارائه مطالب

۶- برقراری نظم وانضباط درکلاس

۷-استفاده از وسائل وامکانات کمک آموزشی

۸- ایجاد شرایط فیزیکی مناسب در کلاس

۹- ارزشیابی مستمر دانش آموزان

بخش دوم: نگاهی اجمالی به شیوه ها و روش های انتقال مطالب و اطلاعات

در رابطه با شیوه ها و طرق انتقال اطلاعات باید توجه داشت ما اطلاعاتمان را از سه شیوه به مخاطبمان انتقال می دهیم:

بند اول: کلام و طرز بیان مطالب

بیشتر ارتباطهای ما از راه کلام صورت می گیرد و شما غالبا برای انتقال مطالب خود سخن می گوئید. در حالی که صحبت کردن و سخن گفتن به تنهایی بدترین و کم اثر ترین شیوه انتقال است. تحقیقات نشان داده است که تنها ۷٪ اطلاعات ما از طریق کلام منتقل می شوند. وقتی شما دو ساعت تمام برای یک نفر یا یک عده سخنرانی می کنید بدون این که از سایر راه های انتقال مطالب استفاده کنید عملا فقط ۷٪ گفته هایتان به مخاطب یا مخاطبانتان انتقال پیدا کرده است چیزی کمتر از هشت دقیقه و نیم آن. اگر مخاطب یا مخاطبین شما بی توجهند یا حواسشان پرت است یا به عالم هپروت رفته اند و یا مدام خمیازه می کشند اغلب به این خاطر است که شما صرفا صحبت می کنید و در بیان ضعف دارید یعنی از راههای دیگر انتقال اطلاعات که مجموعا ۹۳٪ انتقال اطلاعات از راه آنها صورت می گیرد بهره نمی جوئید. پس بر دیگران خرده نگیرید که چرا گوش نمی کنی؟حواست کجاست؟و. . . به خودتان خرده بگیرید که در برقراری ارتباط ضعف دارید. به خاطر داشته باشید اگر چه کلام اولین راه برقراری ارتباط است. اما کم اثرترین است!!!

بند دوم: لحن و طنین

۳۸٪ اطلاعات ما از طریق لحن و طنین صدای ما منتقل می شود یعنی چیزی بیش از ۵ برابر کلام. در روانشناسی یادگیری و توجه گفته می شود اساسا یا باید محرک تغییر کند یا تحریک پذیر تا توجه و گیرایی تحریک پذیر باقی بماند و همچنان جهت گیری کند. مثلا وقتی شما از پشت بام منزل خود صدای پایی می شنوید خیز بر می دارید و جهت می گیرید و چون احتمال می دهید دزد امده باشد توجه فراوان می کنید. هرچقدر که صدای پا متغیر تر باشد مثلا کم و زیاد شود و همچنین هر چقدر که شما متغیر تر باشید مثلا خود را به صدا دورتر یا

نزدیکتر کنید توجه شما افزایش می یابد. اما اگر شما در رختخواب. ثابت و یکنواخت باشید و صدای پا هم یکنواخت باشد خیلی زود به شدت ازتوجه شما کاسته می شود. شما به خواب خوشی فرو می روید تا دزد هم با خیال راحت کار خودش را بکند و برود!

صدای پا در این مثال ((محرک)) است و شما ((تحریک پذیر)). سخنران و گوینده هم حکم محرک دارد. کسی که صحبت را اغاز می کند. مدام باید لحن و طنین صدای خود را تغییر دهد. کسانی که از اول تا آخر صحبت خود با یک تن صحبت می کنند. مخاطبان خود را از دست می دهند و فقط به خاطر همین یک ضعف عملا ۳۸٪ تاثیرگزاری و نفوذ خود را از دست می دهند و مطالبشان چنان که باید و شاید انتقال پیدا نمی کند. به کلام خود آهنگ بدهید. صدایتان را بالا و پایین ببرید. برای خود معین کنید که از ابتدا انچه را که مهم تر است با صدایی بلندتر یا پایین تر بگوئید. لحن و طنین خود را تغییر دهید تا مخاطب توجه پایدارتری داشته باشد. متاسفانه اکثر سخنرانها بیشتر به آنچه می گویند توجه می کنند تا به وازه ها و جمله بندیها. اما انچه به وازه ها و جمله ها روح می دهد و جان کلام را به جان شنونده پیوند می زند لحن و طنین صدای شماست. گاهی آنقدر آهسته صحبت کنید که شنونده را به زحمت و جهت گیری وادارید و گاهی چنان کوبنده و محکم بگوئید که درونشان نفوذ کنید. عده ای به غلط اول خیلی آهسته سخن می گویند و بعد به تدریج تند صدای خود را بالا می برند. این افراد همان ابتدا مخاطب خود را از دست می دهند. شنونده فقط وقتی زحمت شنیدن صدای آهسته را به خود می دهد که قبلا چیزی برایش جلب توجه کرده باشد. ابتدا اشتیاقی برای شنیدن عبارت یا وازه ای ایجاد کنید سپس انرا با تنی دیگر بگوئید. صدای یکنواخت و تغییر نکردن لحن و طنین, یکی از مهمترین علل حواس پرتی و چرت زدن و یا خمیازه کشیدن مخاطب است که شما را به ناراحتی وا می دارد. تمرین کنید انچه را که باید امروز با کسی در میان بگذارید با تغییر لحن و طنین

موثر بیان کنید. لحن قاطعانه- لحن مودبانه- لحن شاد- لحن ارام- لحن تاکیدی- لحن شوخ طبعانه و. . . .

بند سوم: حرکات مدرس

انچه تاکنون گفتیم یعنی کلام و طنین در مجموع ۴۵٪ اطلاعات ما را منتقل می کند. ۵۵٪ بقیه یعنی بیش از نیمی از آن از طریق حرکات منتقل می شود. این حرکات بیش از همه به حرکات موزون و هماهنگ دست وابسته است و پس از آن به تغییر چهره و قیافه (حرکات عضلات صورت) و تغییر حالت و ژست و یا اصلا تغییر مکان. دقت کنید بیش از نیمی از اطلاعات ما را حرکات ما منتقل می کنند پس متناسب با کلام خود حرکت کنید و دست خود را حرکت دهید. گاه لبخند بزنید. گاه چهره در هم بکشید. گاه لخت و بی اعتنا باشید و گاهی محکم و نرم چشم به جایی بدوزید. شاید فقط با حرکت لبها و چشم دهها چهره متفاوت بتوان ایجاد کرد (به کلام خود شکل تصویری بدهید). اگر به شما ده تصویر ثابت(اسلاید) و یک تصویر متحرک (فیلم) نشان داده شود. بیش از همه خاطره آن تصویر متحرک در ذهن شما حک می شود. انسان به تصویرهای متحرک هم توجه بیشتر نشان می دهد و هم علاقه فراوان تری دارد. خود را به نرمی برای شنونده به تصویر بکشید(با حرکات هماهنگ خود).

ترکیبی منطقی برای نفوذ: برای نفوذ کلام و تاثیر گزاری مطلوب شما باید سه شیوه کلام و لحن و حرکت را با هم استفاده کنید. این بدان معنا نیست که شما هنگام صحبت کردن باید خود را به در ودیوار بکوبید. ابدا. . . منظور از تغییر لحن و طنین و حرکت این است که شما به تناسب کلام خود تنوع موزون و هماهنگی را در لحن و حرکات خود به وجود آورید. در این تغییرات نباید افراط کنید که ناآرامی گوینده حمل بر اضطراب او می شود و در نتیجه مخاطبان خود را از دست می دهید. تغییر لحن و طنین به تناسب کلام و حرکت و تغییر وضعیت نیز به

تناسب کلام ان هم نه مداوم و پشت سر هم و افراطی. نرم و ملایم در عین حال پرشور و جذاب و تاثیرگزار باشید. سخنرانهای برجسته و معلمان و استادان نمونه بیش از همه به تاثیر ترکیب منطقی کلام و لحن و حرکات و حرکات واقفند و از صمیمیت ایجاد شده بهره فراوان می برند. [۱]

بخش سوم: بررسی و شناخت انواع و اقسام روش انتقال مطالب

بند اول: روش کنفرانس (گرد هم آیی)

«این روش با روش سخنرانی تفاوت دارد زیرا در روش سخنرانی، معلم مسئول دادن اطلاعات به دانش آموزان است. در حالیکه در این روش اطلاعات توسط دانش آموزان جمع آوری و ارائه می گردد. این روش می تواند مشخص کند که دانش آموزان تا چه اندازه می دانند. این روش یک موقعیت فعال برای یادگیری به وجود می آورد. نقش معلم در کنفرانس صرفاً هدایت و اداره کردن جلسه و جلوگیری از مباحثاتی است که منجر به انحراف از موضوع کنفرانس و روال منطقی آن شود. این روش برای کلیه دروس وسنین مختلف کاربرددارد.

بند دوم: روش شاگرد استادی

قدمت این روش به زمانی که انسان مسئولیت آ موزش دهی انسانهای دیگر را چه از طریق غیررسمی و چه از طریق رسمی به عهده گرفت، می رسد. و قدمت آن به صدر اسلام برمی گردد مسجد نخستین موسسه ای بود که چنین سیستمی را برای تعلیم و تربیت مسلمانها به کار برده است. از روشهای تعلیمی که در روش شاگرد استادی حائز اهمیت است , روش حلقه یا مجلس است, که پیامبر عظیم الشان اسلام از این روش به مردم آن زمان آموزش می داد. همه افراد در کودکی دوست دارند نقشی غیر از نقش واقعی خود بازی کنند , روش شاگرد استادی به

[۱] مطالبی برگرفته از کتاب صمیمیت, تاثیرگزاری و نفوذ (نوشته استاد مجتبی حورایی) ص۱۰۲

این نقش خیالی, جامه عمل می پوشاند. در این روش به دانش آموزان اجازه داده می شود که نقش معلم را ایفا کنند. هدف اساسی این روش آن است که شاگرد معلم گردد و از این طریق تجارب تازه و ارزشمندی به دست آورد. در این روش در صورت فقدان معلمان متخصص, تعداد زیادی از دانش آموزان مهارت خاص را آموخته اند و می توان از آنها استفاده کرد.

بند سوم: روش چند حسی (مختلط)

استفاده از این روش مستلزم به کار گرفتن همه حواس است و جریان یادگیری از طریق تمام حواس صورت می گیرد. از طریق کار بست این روش می توان , مطالب و مهارتها را درک کرد , ارتباط موثرتری برقرار کرد , مهارتها و مطالب را از یک موقعیت به موقعیت دیگر تعمیم داد. در یادگیری روش چند حسی به طور کلی از همه حواس استفاده می شود, به بیان دیگر ,یادگیری بصری که ۷۵ ٪ از مجموع یاد گیری ما از طریق دیدن است , یادگیری سمعی که ۱۳ ٪ از مجموع یادگیری ما از طریق شنیدن است , لمس کردن , که ۶٪ از مجموع یادگیری ما از طریق لمس کردن است , چشیدن که ۳٪ از مجموع یادگیری ما از طریق چشیدن است و بوییدن که ۳٪ از مجموع یادگیری از طریق بوییدن است.

بند چهارم: روش حل مسئله

این روش یکی از روشهای فعال تدریس است. اگر نظام آموزشی بخواهد توانایی حل مسئله را به دانش آموزان یاددهد, (البته مسئله به معنی مشکل و معضل نیست, به بیان دیگر مسئله موضوعی نیست که برای ما مشکل ایجاد کند, بلکه رسیدن به هدف در هر اقدامی, به نوعی حل مسئله است, (خورشیدی , غندالی , موفق, ۱۳۷۸) در این روش آموزش در بستر پژوهش انجام می شود و منجر به یادگیری اصیل و عمیق و پایدار در دانش آموزان می شود. در این روش ابتدا معلم باید مسئله را مشخص, سپس به جمع آوری اطلاعات توسط دانش آموزان پرداخته

شود, و بعد از جمع آوری اطلاعات بر اساس اطلاعات جمع آوری شده دانش آموزان فرضیه سازی و در نهایت فرضیه ها را ازمون و نتیجه گیری شود. اگر روش حل مسئله درست انجام شود می تواند منجر به بارش یا طوفان فکری گردد. یعنی اگر معلم روش تدریس حل مسئله را به درستی انجام دهد, دانش آموزان می کوشند تا برای حل مسئله با استفاده از تمام افکار و اندیشه هایی که دارند, در کلاس راه حلی بیابندو آن را ارائه دهند. به بیان دیگر اگر معلم در روش تدریس حل مسئله به درستی عمل کند, منجر به روش تدریس بارش مغزی نیز می شود. به طور کلی اگر نظام آموزش و پروش بخواهد در جهت تقویت زمینه های بالقوه خلاقیت نقش مهمی ایفا کند همانا بست روشهای تدریس حل مسئله و بارش فکری در کلاس درس توسط معلمان است.

بند پنجم: روش پروژه ای

روش تدریس پروژه ای به دانش آموزان امکان می دهد تا قدرت مدیریت, برنامه ریزی و خود کنترلی را در خودشان ارتقاء بخشند. در این روش دانش آموزان می توانند با توجه به علاقه ی خود موضوعی انتخاب و به طور فعالانه در به نتیجه رساندن آن موضوع شرکت نمایند. براین اساس در این روش دانش آموزان یاد می گیرند که چگونه به طور منظم و مرحله ای کاری را درس انجام دهند و این روش باعث تقویت اعتماد به نفس در دانش آموزان می شود زیرا بین آنها و معلم رابطه صحیح آموزشی بر قرار است و در نهایت این روش باعث تقویت همکاری, احساس مسئولیت, انضباط کاری صبر و تحمل در انجام امور و تحمل عقاید دیگران و مهارتهای اساسی پژوهش در دانش آموزان می شود.

بند ششم: شیوه سخنرانی

معلم به طور شفاهی اطلاعات و مفاهیم را , در عرض مدتی که ممکن است از چند دقیقه تا یک ساعت یا بیشتر طول بکشد, در کلاس ارائه می دهد. در سخنرانی می توان معلم را با

عنوان پیام دهنده و دانش آموز را به عنوان پیام گیرنده تصور کرد. از این نظر سخنرانی شیوه ای است یک سویه, برای انتقال اطلاعات, که معمولاً فراگیر در آن نقش غیر فعالی دارد. محتوای سخنرانی را معلم قبل از ورود به کلاس تعیین می کند.

بند هفتم: شیوه بازگویی

بازگویی شیوه ای است که معلم بکار می برد تا فرگیر را در بیاد سپردن اشعار, قواعد, فرمولها, تعاریف و اصطلاحات تشویق کند. در بازگویی معمولاً معلم از دانش آموز انتظار دارد که موضوع بیاد سپرد را کلمه به کلمه بیان کند. شیوه بازگویی مطالب, با آنکه اغلب در کلاسها مورد استفاده قرار می گیرد, ولی متاسفانه ضرورتاً دلالت بر تحقق یادگیری نمی کند. کاربرد این شیوه تنها نشان می دهد که دانش آموز مطالب مورد نظر را بیاد سپرده است. گاهی هدف معلم اساساً این است که دانش آموز موضوعی را بخاطر بسپارد تا برای درک مفهوم خاصی از آن را بکار برد, در این روش صورت بکار گرفتن این شیوه ممکن است مفید باشد.

بند هشتم: شیوه پرسش و پاسخ

شیوه پرسش و پاسخ شیوه ای است که معلم به وسیله آن فراگیر را به تفکر در باره مفهومی جدید یا بیان مطالبی فرا گرفته شده نشویق می کند. معلم, وقتی که می خواهد مفهوم دقیقی را در کلاس مطرح نماید یا توجه فراگیران را به موضوعی جلب کند شیوه پرسش و پاسخ را به کار می برد و نیز بدین وسیله فراگیر را تشویق می کند تا اطلاع خود را درباره موضوعی بیان کند ممکن است برای مرور کردن مطالبی که قبلاً تدریس شده اند مفید باشد, یا وسیله خوبی برای ارزشیابی میزان درک فراگیر از مفهوم مورد نظر باشد.

بند نهم: شیوه تمرینی

معلم معمولاً بوسیله تمرین, فراگیر را به تکرار مطلب یا کاربرد آن تشویق می کند تا فراگیر در موضوع مورد نظر تبحر لازم را کسب کند. مثلاً معلم انگلیسی از

فراگیر می خواهد که با تکرار شفاهی اصطلاحات, تلفظ صحیح آنها را فراگیرد, یا بعد از یافتن طرز ساختن جملات شرطی, پنج جمله شرطی بسازد. ممکن است معلم ریاضی , پس از درس دادن مفهوم مشتق و طرز مشتق گیری از توابع, از دانش آموزان بخواهد که ده مسئله در رابطه با این موضوع حل کنند. در تمام موارد بالا معلم, با استفاده از شیوه تمرینی, دانش آموزان را به تکرار یا کاربرد مفاهیم مورد نظر تشویق می کند.

بند دهم: شیوه بحثی

در شیوه بحثی, دانش آموزان فعالانه در یادگیری شرکت می کنند و مفهوم مورد نظر را از یکدیگر می آموزند. در این شیوه معلم را می توان به عنوان محرک, شروع کننده بحث و راهنما تصور کرد. معلم طوری سوال یا مسئله را مطرح می کند که دانش آموزان را به پاسخگویی یا حل مسئله تشویق کند. این شیوه در دو مورد زیر, کاربرد خاصی دارد:

۱- زمانی که معلم می خواهد مفهوم جدیدی را به فراگیران بیاموزد (مانند موقعیت بالا)و انتظار دارد که همه آنها مفهوم را به شکلی واحد در یابند در این صورت معلم سعی می کند که بحث را به جهتی بکشاند که شکل صحیح مفهوم از آن نتیجه گیری شود.

۲- هدف معلم این است که ذهن دانش آموز را به تکاپو وجستجو وادارد. در این صورت معلم مسئله ای را عنوان می کند که تا دانش آموزان راه حل آن را پیشنهاد کنند. در این موقعیت معلم سعی می کند که موضوع بحث را به دلخواه خود کنترل نکند, تا راه حلی را که خود در نظر دارد به کلاس تحمیل نکرده باشد.

بند یازدهم: شیوه گردش علمی

گردش علمی به دانش آموزان امکان می دهد که از طریق مشاهده طبیعت, وقایع, فعالیت ها, اشیاء و مردم تجزیه علمی بدست آورد. در گردش علمی دانش آموزان با مشاهده واقعیتها می توانند مفاهیمی را که در در کلاس مورد بحث قرار می گیرد, بهتر در ذهن خود بپرورانند و معلم می تواند با استفاده از این شیوه کنجکاوی فراگیران را درباره موضوعی خاص بر انگیزد. در بعضی موارد, می توان از گردش علمی برای جمع آوری اطلاعات لازم برای انجام گرفتن آزمایش, یا یک پروژه, بهره گرفت. مثلاً اگر هدف درس(شناختن کانیهای دارای ارزش اقتصادی) باشد می توان دانش آموزان را به چند معدن برد تا کانیهای مختلف را جمع آوری کنند و آنها را در کلاس, بعد از آزمایشهای لازم, بشناسند.

بخش چهارم: بررسی الگوها و منابع موثر در یادگیری و انتقال مطالب

بند اول: استفاده از منابع دیداری و شنیداری

استفاده از منابع دیداری و شنیداری در تدریس را در حقیقت نمی توان شیوه مستقل و مجزا دانست. معلم در هر گونه تدریسی می تواند از وسایل دیداری و شنیداری کمک بگیرد. گاهی می توان در تدریس از وسایلی نظیر رادیو , تلویزیون و ضبط و پخش صوت, نمودار و نقشه استفاده کرد. مثلاً معلم در هنگام سخنرانی ممکن است از عکس استفاده کند, یا برای نمایش دادن یک رابطه علمی از نمودار کمک بگیرد. در مواردی که معلم می خواهد یک موضوع اجتماعی را تدریس کند, ممکن است بحث رادیویی مناسبی را که روی نوار ضبط شده است برای فراگیران پخش کند. به طورکلی کاربرد صحیح منابع دیداری و شنیداری برای بر انگیختن کنجکاوی دانش آموزان و تشویق آنها به فراگیران بسیار موثر است.

بند دوم: الگوی کاوشگری به شیوه حقوقی

این الگو برای کمک به دانش آموزان در بررسی مسایل اجتماعی از قبل عدالت , برابری, فقر, قدرت, تقویت رشد عمومی و اجتماعی آنها برای توجیه و حل اینگونه مسایل به شیوه مذاکره است. در این الگو معلم آغازگر, کنترل کننده جو برای ایجاد یک فضای مثبت کاری و عقلی, باز و پویا است و به فراگیران تفهیم می کند که یکدیگر را مستقیم ارزیابی ننمایند, و به عقاید و نظرات همدیگر احترام بگذارند. این الگو بیشتر برای دوره های دبیرستان و دانشگاه کاربرد دارد و در نهایت باعث تقویت روحیه همدلی, قضاوت منطقی در خصوص مسائل اجتماعی تحلیل مناسب مسائل روز و تقویت کار دسته جمعی در دانش آموزان می شود. مثال: فرض کنید بعضی از دانش آموزان با سهمیه ای شدن کنکور سراسری مخالف هستند , معلم از طریق شرکت سهامی فکر با دانش آموزان به بررسی این مهم می پردازد و در نهایت به کمک خود دانش آموزان آنها را قانع می نماید.

بند سوم: الگوی آموختن کنترل خود

هدف این الگو ایجاد تغییر رفتار مناسب در دانش آموزان است. مثال: دانش آموزی که در امتحان دچار اضطراب می شود یا از درس ریاضی می ترسد, به او می آموزد که چگونه رفتار خود را تغییر داده و موجب کاهش این اضطراب و ترس در خود شود. در این الگو معلم حامی دانش آموزان است و یک فضای مثبت ایجاد می کند تا آنها به اصلاح رفتار خود بپردازند. این الگو در سنین مختلف و همه دوره های تحصیلی کاربرد دارد, و در نهایت دانش آموزان را قادر به توصیف, توضیح, پیش بینی, کنترل و تغییر رفتار خود می نماید. بطور کلی معلم از طریق این الگو می تواند تغییرات مطلوب را در رفتار دانش آموزان ایجاد نماید.

بند چهارم: الگوی ایفای نقش

هدف این الگو ,رشد همدلی با دیگران و بررسی مسایل وواقعیت ها و ارزشهای اجتماعی در عمل است. این الگو می تواند باب افتتاح گفتگو در باره ی ارزشها و چگونگی اثر آنها در زندگی روزانه باشد. در این الگو معلم مسئول شروع و هدایت دانش آموزان است. به نحوی که آنها را قادر به تحلیل رفتار, ارزشهای فردی, همدلی, حل مسائل میان فردی ,نقش ارزشها در مسائل اجتماعی و آسودگی در ابراز عقاید نماید. این الگو در همه برنامه های آموزشی و پرورشی و سنین مختلف کار برد دارد. بطور کلی این الگو باعث افزایش فهم دانش آموزان در بهبود و گسترش ارزشهای اجتماعی می شود. برای مثال: معلم می تواند از طریق این الگو مسائل خوب و بد اجتماعی و یا رفتارهای خوب و بد را توسط دانش آموزان به نمایش بگذارد و سپس در مورد آن به کمک فراگیران به بحث و ارزشیابی بپردازد. بدین ترتیب معلم از طریق عمل (نمایش) به بررسی مسائل اجتماعی, رفتاری و ارزشیابی آن توسط دانش آموزان می پردازد.

بند پنجم: الگوی دریافت مفهوم

این الگو برای یاد دادن نحوه طبقه بندی کردن, نحوه فکر کردن و چگونگی دریافت مفهوم به دانش آموزان اهمیت دارد. در این الگو معلم به عنوان حامی و هدایت گر فرضیه های دانش آموزان است به نحوی که از قبل مفاهیم را انتخاب و در نمونه های مثبت و منفی سازمان می دهد و فراگیران را جهت نیل به این مفهوم هدایت می کند. این الگو دانش آموزان قادر به مفهوم سازی پیشرفته, مفاهیم خاص, استدلال استقرایی, تسلط و آگاهی به چشم اندازها, دورنماها, تحمل ابهام و حساسیت به استدلال منطقی در ارتباطات می نماید. مراحل الگوی تدریس دریافت مفهوم به شرح زیر است:

- عرضه مطالب و شناسایی مفهوم
- آزمون دستیابی به مفهوم
- تحلیل راهبردهای تفکر

بند ششم: الگوی تفکر استقرایی

ایـن الگـو باعـث بهبـود ظرفیـت تفکـر, گـردآوری, سـازماندهی و کنتـرل اطلاعـات و نـام گذاری مفاهیم میشود. بـه بیـان دیگـر ایـن الگـو بتعـث گـرآوری اطلاعـات سـازماندهی و کنترل مطالـب میشـود. در ایـن الگـو معلـم آغـازگر فعالیـت اسـت, زیـرا فعالیتهـا از قبـل به وسیله معلـم تعیـین مـی شـوند, امـا جـو همکـاری و دوسـتانه بـین معلـم و شـاگردان وجـود دارد. تمـاس یکایـک دانـش آمـوزان بـرای دسترسـی بـه اطلاعـات فـراهم نمایـد. این الگو منجر به افزایش آگـاهی فـردی و رشـد خـود کنترلـی دانـش آمـوزان مـی گـردد و در همـه سـطوح تحصـیلی کـاربرد دارد. مراحـل تـدریس الگـوی تفکـر اسـتقرایی عبارتند از:

- تکوین مفهوم
- تفسیر مطالب
- کاربرد اصول یا عقاید

بند هفتم: الگوی آموزش کاوشگری

این الگو باعث تقویت استدلال فراگیران, شناخت مفاهیم, فرضیه ها و آزمون آنها در دانـش آموزان می شود. در این الگو جو همکاری بین معلم و شـاگردان وجـود دارد, ولـی سیسـتم اجتماعی بیشتر توسط معلم به ترقیب فراگیران جهت آغاز کاوشگری می پردازد و شیوه هـا ی کاوشگری را به آنها یاد می دهد, این الگو منجر به یادگیری و تقویـت مهارتهـای جریـان علمی, کاوشگری خلاق, تقویت روح خلاقیت, استقلال در یاد گیری, تحمل ابهـام و مـوقتی بودن دانش در دانش آموزان می شود.

- مراحل تدریس الگو عبارت است از :
- مواجه نمودن فرگیران با مسئله
- گردآوری داده ها در خصوص مسئله و اثبات آن

- طبقه بندی داده ها (اطلاعات)
- تجزیه و تحلیل داده ها
- تحلیل جریان کاوش

بند هشتم: الگوی پیش سازمان دهنده

این الگو باعث یادگیری با معنا در دانش آموزان می شود و در آن معلم, ساخت ذهنی را در دست دارد و همواره مطالب قبلی تمیز دهنده را در دست دارد و همواره مطالب یادگیری را به سازمان دهندگان ارتباط می دهد و به شاگردان کمک می کند تا مطالب جدید را از مطالب قبلی تمیز دهند این الگو منجر به تقویت مفاهیم, درون سازی معنی دار اطلاعات و افکار, عادت به تفکر منظم و منطقی و تقویت روحیه کاوشگری در دانش آموزان می شود, و برای کلیه سطوح تحصیلی مناسب است. مراحل پیش سازمان دهنده:

۱- از طریق روشن کردن منظور درس به وسیله مثال و تکرار.

۲- ارائه مطالب , یا وظیفه مورد نظر برای دانش آموزان با یک نظم منطقی.

۳- تحکیم سازمان شناخت از طریق یادگیری فعال و توافق مجدد و یک نظم منطقی.

۴- تحکیم سازمان شناخت از طریق یادگیری فعال و توافق مجدد و یکپارچه.

بند نهم: الگوی یادسپاری

این الگو باعث تاکید بر پردازش اطلاعات, افزایش یادسپاری و درونی کردن اطلاعات در دانش آموزان می شود. معلم و شاگردان بصورت یک گروه برای دادن مطالب جدیدجهت یادسپاری تلاش می کنند. این الگو نیاز به عکس, وسایل مجسم , فیلم و سایر مطالب دیداری و شنیداری دارد. معلم شاگردان را در تعیین موضوعها, جهت ها و تصویرهای کلیدی یاری می کند. این الگو دانش آموزان را در تسلط بر حقایق و افکار سیستمی برای

یادسپاری تقویت قدرت ذهنی و افزایش یادسپاری کمک و در تمام مراحل و سنین کاربرد دارد. مراحل تدریس این الگو عبارت است از:

۱- توجه به مطالبی که باید یادسپاری شوند. از طریق خط کشیدن زیر آنها و. . .

۲- ایجاد ارتباط از طریق فنون کلمه کلیدی و کلمه جایگزین

۳- بسط تصاویر

۴- تمرین و یاد آوری به منظور آموخته شدن کامل

بند دهم: الگوی رشد عقلی

این الگو باعث سازگاری و متناسب نمودن آموزش با مراحل رشد فراگیران میشود. در این الگو کاوشگری در جوی اجتماعی و عقلی آزاد همراه است. معلم باید جو تسهیل کننده ای ایجاد تا شاگرد احساس خود را آزادانه بیان کند. این الگو منجر به تقویت جنبه های انتخابی رشد شناختی و جنبه های عاطفی و اجتماعی در دانش آموزان می شود. مراحل تدریس الگو عبارتند از:

۱- به وجود آوردن موقعیتی که مطابق رشد دانش آموز باشد.

۲- کاوشگری از طریق دریافت پاسخهای دانش آموزان.

۳- انتقال از طریق بررسی استدلال دانش آموزان.

بند یازدهم: الگوی کاوشگری علمی

این الگو باعث آموزش علمی به سبکهای مشخص و آموزش مفاهیم بنیادی در دانش آموزان می گردد. رسالت معلم در این الگو پرورش کاوشگری , ایجاد جوی توام با همکاری و داشتن انعطاف است. این الگو منجر به دانش علمی تعهد به

کاوشگری علمی, ژرف اندیشی و روح مهارت همکاری در دانش آموزان می شود. مراحل این الگو عبارتند از:

۱- فراهم آوردن زمینه جستجو برای دانش آموزان.

۲- تعیین مسئله از سوی دانش آموزان.

۳- مشخص کردن مسئله در هر جستجو توسط دانش آموزان.

۴- دانش آموزان حدس در خصوص راههای توضیح مشکل می پردازند.

بند دوازدهم: الگوی تدریس غیر مستقیم

این الگو باعث مشارکت فراگیران در یادگیری شده و به آنها یاد می دهد که چگونه خود را به فراگیری مطالب پرداخته و مسائل را حل نمایند. معلم نقش هادی, راهنما و تسهیل کننده را دارد و دانش آموز آغاز کننده به نحوی که معلم به دانش آموزان کمک می کند تا مسائل را تعریف و برای حل موفقیت آمیز آنها اقدام نمایند. همچنین معلم بایستی مکانی آرام توام با جو مثبت و اطلاعات مورد نیاز برای دانش آموزان فراهم نماید. این الگو دانش آموزان را قادر به افزایش آگاهی فردی, رشد خود, هدفهای اجتماعی و تحصیلی متنوع می نماید. مراحل تدریس این الگو عبارتند از:

۱- تعریف موقعیت توسط فراگیر به نحوی که معلم ابراز احساسات را ترغیب می کند.

۲- کشف مشکل بوسیله دانش آموزان.

۳- رشد بینش توسط بحث دانش آموزان در باره مسئله و حمایت معلم از آنها.

۴- برنامه ریزی و تصمیم گیری توسط دانش آموزان.

۵- یکپارچگی از طریق توسعه بینش دانش آموزان در خصوص مسئله و حمایت معلم از آنها.

بند سیزدهم: الگوی بدایع پردازی (افزایش تفکر خلاق)

هدف این الگو افزایش تفکر خلاق و مشکل گشایی در مواقع خاص, بر هم زدن سنتهای متداول و گسترش افقهای فردی و اجتماعی در دانش آموزان است. معلم سوالاتی از دانش آموزان می نماید, ولی پاسخ دانش آموزان کاملاً باز است و معلم بایستی کمک کند تا شاگردان تفکر خود را بسط دهند این الگو باعث رشد خلاقیت و نوع آوری, همبستگی گروه و بر هم زدن سنتها در نزد انظار می شود.

مراحل تدریس الگو عبارتنداز:

۱- توصیف وضعیت جدید به کمک معلم

۲- قیاس مستقیم به نحوی که معلم قیاس مستقیم (مقایسه ساده از دو موجود یا دو مفهوم) را پیشنهاد و از شاگردان می خواهد آنها را توصیف کنند.

۳- قیاس شخصی به نحویکه معلم شاگردان را به قیاس مستقیم (شدن) ترغیب میکند.

۴- مقایسه قیاسها از طریق شاگردان

۵- توضیح تفاوتها به کمک شاگردان

۶- اکتشاف به کمک شاگردان

۷- قیاس زایی، شاگردان مجدد به بیان شباهتها و تفاوتهای قیاس می پردازند.

بند چهاردهم: الگوی آگاهی یابی

اهداف این الگو کمک به دانش آموزان برای توسعه آگاهی از توانایی های خویشتن در تفکر و احساسات گروهی, مناسب انسانی و ایجاد تصور ذهنی از خود است. معلم باید در این الگو انعطاف پذیر باشد. این الگو منجر به افزایش آگاهی، خود یک پارچگی روابط میان فردی می شود. مراحل این الگو عبارتند از :

۱- مشخص کردن تکلیف برای شاگردان از طریق ایجاد محیط امن برای آنها

۲- بحث و تحلیل در خصوص گام اول

بند پانزدهم: الگوی دیدار در کلاس درس

این الگو برای کمک به فراگیران در پذیرش مسئولیت رفتار و شرایط اجتماعی است معلم بایستی دارای شخصیتی صمیمی و ماهر در فنون بحث میان فردی باشد و بیشتر اقدامات کنترل, ولی با دانش آموزان سهیم است. این الگو باعث استقلال و خود محبت دهی و آزاد اندیشی می شود. مراحل الگو عبارتند از:

۱- استقرار فضایی از پذیرش مشارکت (تشویق دانش آموزان برای مشارکت و سخن گفتن)

۲- طرح مسئله برای بحث بوسیله دانش آموزان یا معلم و بررسی پیامدهای آن

۳- بررسی قضاوت ارزشی توسط فراگیران در خصوص مسئله

۴- تعیین اقدام دیگر جایگزین از طریق توافق دانش آموزان که کدام مسئله را پیگیری نمایند.

۵- التزام علمی دانش آموزان در برابر جمع

۶- پیگیری رفتاری از طریق سنجش رفتارهای جدید ایجاد شده در دانش آموزان.

بند شانزدهم: الگوی آموزش برای رشد مفهوم و مهارت

این الگو معمولاً به دو صورت زیر است:

۱- الگوی نظریه و عمل:

مانند یک مهارت ریاضی که در آن مهارت با نشان دادن ممارست, باز خورد و نظارت در هم می آمیزد تا دانش آموز بر آن مهارت تسلط یابد.

۲- شبیه سازی که از توصیف موقعیت های زندگی ایجاد می شود.

مثال: معلم در درس جغرافیا, کره زمین است و یا از مولاژ استفاده می کند و اندامها و دستگاه های مختلف بدن انسان را نشان می دهد. در این الگو معلم نقش هادی و راهنما را دارد و بایستی یادگیری با تشکیل شرکت سهامی فکر بین دانش آموزان و معلم انجام گیرد این الگو در همه سنین و سطوح تحصیلی کاربرد دارد و در نهایت باعث افزایش مفاهیم و مهارتهای آگاهی درباره سیستمهای اجتماعی, همدردی, آگاهی از تنش تغییر و احساس اثر بخشی در دانش آموزان می شود. »(محمدی، ص۴۹، ۱۳۸۳)

بخش پنجم: بررسی و تحلیلی علمی مراحل روش تدریس کارگاهی به عنوان یکی از بارزترین روش های انتقال مطالب

مرحله ارایه درس کوتاه: این مرحله مبانی نظری مورد بحث توسط مدرس کارگاه تبیین و تحلیل می شود.

مرحله فعالیت و کار: دانش آموزان, دانشجویان و یا کارورزان و مربیان شرکت کننده در کارگاه به گروههای کوچک ۲ الی ۳ نفره یا انفرادی تقسیم و بر روی موضوعات تعیین شده فعالیت می نمایند.

مرحله مشارکت: در این مرحله مجدداً دانش آموزان شرکت کننده در کارگاه که به گروه های ۲ الی ۳ نفره یا انفرادی تقسیم شده بودند, دور هم جمع می شوند,

که به بحث و بررسی جمع بندی موضوعات تعیین شده می پردازد. (حداکثر زمان این مرحله از کل زمان کارگاه است). بدیهی است که در اجرای کلاس کارگاه آموزش باید از روش مهارت آموزی (ابتدا و انتهای فعالیت کاملاً مشخص شده است) سود جست. کاربست روش تدریس کارگاهی می تواند نتایج آموزش را تضمین کند. البته با رعایت نکات زیر:

مرحله درسی کوتاه و فشرده: ۱) معلم ابتدا اهداف و انتظاراتی که از کارورزان و دانش آموزان دارد, دقیقاً بیان و تحلیل می نماید و از طریق آزمون تشخیصی, رفتار ورودی آنها را می سنجد.

۲) معلم مبانی نظری هر محور کلی را در سالن عمومی تبیین و تحلیل نموده و به رفع اشکالات کارورزان یا دانش آموزان در ابعاد نظری می پردازد. البته بهتر است قبل از تشکیل کارگاه مبانی نظری را (به منظور تسلط دانش آموزان) برای آنها ارسال کند.

۳) سپس معلم (مدرس) دانش آموزان را به گروههای کوچک کاری تقسیم نموده و یک نفر به عنوان مسئول و گزارشگر و یک نفر به عنوان منشی انتخاب که جلسات کارگاهی را اداره و نکات کلیدی را یادداشت نمایند.

۴) زمان بهینه برای این مرحله حداکثر معادل کل زمان کارگاه آموزشی است.

مرحله فعالیت گروهی و انجام وظایف انفرادی: ۱) در این مرحله کار مسئول گروه کاری , همانا استخراج مفاهیم کلیدی بر اساس مباحثات همه کارورزان است, سپس منشی گروه کاری کلیه نکات کلیدی را (که در مورد توافق اکثریت گروه است) نوشته و طبقه بندی می نماید. شایسته است که منشی جلسه کلیه نکات مطروحه را بر روی تابلو نوشته تا کلیه دانش آموزان آنها را مشاهده و سرانجام پس از نهایی شدن روی کاغذ منعکس نماید.

۱) زمان بهینه برای این مرحله حداکثر معادل کل زمان کارگاه آموزشی است.

۲) محل تشکیل گروههای کاری باید جدا از یکدیگر باشد.

مرحله مشارکت و جمع بندی:

۱) کلیه دانش آموزان در سالن عمومی جمع شده و سپس مسئولین گروههای کاری به ترتیب گزارشی از نتایج مباحثات بر روی موضوعات مطروحه را ارائه و سپس نکات کلیدی مشخص و توصیه های کاربردی به عمل می آورند.

۲) زمان بهینه برای این مرحله همان حداکثر معادل کل زمان کارگاه آموزشی است. در پایان یعنی مرحله ارزشیابی و بازخورد کارگاه, مدرس به اجرای آزمون پس خروجی پرداخته و آن را با آزمون پیش ورودی مقایسه می نماید و نگرش دانش آموزان را نسبت به کارگاه (البته بدون ذکر نام) دریافت می کند.

نتیجه گیری

در نهایت و در جمع بندی کلی مقاله حاضر باید گفت معلم باید سعی کند با شاگردهای خودش با احترام رفتار کند و رابطه دوستانه ای را برقرار نماید. بهترین روش تدریس در دانشگاه یا مدرسه همین است که بهترین جو ممکن بر کلاس حاکم باشد. احترام دو طرفه در کلاس باعث می شود جذابیت درس هم بیشتر گردد. زدن مثال های عملی و واقعی و مشارکت دادن دانشجویان و دانش آموزان در ارائه درس هم می تواند به افزایش جذابیت تدریس کمک نماید. یکی از مهمترین اصول تدریس این است که استاد مطالب را از دیدگاه شاگردهای خودش ببینید و به گونه ای تدریس کند که سطح مطالب ارائه شده خیلی سخت و نامفهوم نباشد. همچنین باید توجه داشت در میان ما مجموعه فعالیت هایی که برای تعلیم و تربیت فراگیران، دانش آموزان و کارآموزان انجام می شود بیشترین سهم به تدریس مربی و مدرس در کلاس درس اختصاص دارد. تدریس را می توان

بـه فعالیـت دو جانبـه ای کـه بـین مربـی و کـارآموز جریـان دارد و هـدفش یـادگیری اسـت تعریـف کـرد. عبـارت دو جانبـه بیـانگر ایـن امـر اسـت کـه تـدریس یـک کـنش متقابل بین مربی و کارآموز است. کنش متقابـل یعنـی اینکـه مربـی بـر کـارآموز اثـر مـی گذارد و برعکس کـارآموزان هـم فعالیـت او را تحـت تـأثیر قـرار مـی دهنـد و بـرای ایـن کـه تـأثیر مربـی بـه هنگـام تـدریس و سـایر فعالیـت هـای تربیتـی بـر شـاگردان بیشـتر شـود بایـد بـه دو عامـل مسـلط باشـد: اول، نحـوه صـحیح تـدریس و دوم، موضـوعی کـه می خواهـد تـدریس کنـد. بحـث درخصـوص ایـن دو فـاکتور بـه انـدازه ای مهـم و اسـت که خود نیازمند نگـارش پژوهشـی جداگانـه اسـت. بـه هرصـورت نهایتـاً اگـر بخـواهیم ده روش برای تدریس بهتر و موثر را بیان کنیم به نتیجه زیر می رسیم:

- دانش‌آموزان خود را بیشتر بشناسید.
- زمانی که معلم یـک محـیط امـن بـرای فراگیـران فـراهم نمایـد فراگیـران قـادر به انجام ریسک هستند.
- از روش های به روز تدریس و انتقال مطالب جدید استفاده کنید.
- سواد رسانه ای و اطلاعات خود را بیش از پیش کنید.
- مدرسـان بـزرگ هـم اشـتیاق و هـم هـدف‌داری را بـه دانـش‌آمـوزان انتقـال می‌دهند.
- زمـانی کـه معلـم مشـخص کنـد دانـش‌آمـوزان چـه چیزهـایی را بایسـتی یـاد بگیرند آنها بهتر فرا می‌گیرند.
- مطالب را واضح و روشن بیان نمایید، اگر چه نمی‌توانید آنها را ساده کنید.
- بدون فدا کردن اعتماد پذیری، آسیب‌پذیری را تمرین کنید.
- از اعماق وجودتان آموزش دهید و نکات مهم را تکرار کنید.

همچنین درخصوص چگونگی ارتباط با دانش آموز توسط آموزگار باید توجه داشت مهارت ارتباط موثر به افراد کمک می‌کند که فرآیند تبادل اطلاعات، احساسات و افکار به صورت کامل انجام شود و دریافت کننده اطلاعات به صورت کامل منظور و مفهوم آن را متوجه شده و درک کند. فردی که می‌خواهد مهارت ارتباط موثر ی با دیگران داشته باشد، در مرحله اول باید در مهارت خودآگاهی تبحر پیدا کند؛ زیرا کسی که خود را به خوبی نمی‌شناسد، توانایی انتقال آنچه در افکار خود می‌گذرد را ندارد. همچنین یکی از مهم‌ترین بخش هر ارتباط موثر رمزگشایی اطلاعات و افکار انتقال یافته است. فردی که از مهارت ارتباط موثر به خوبی بهره‌مند است، می‌داند که برای داشتن یک ارتباط عالی با مخاطب خود باید او را به خوبی بشناسد و از احساسات او با خبر باشد. لازم به ذکر است که مهارت ارتباط موثر تنها معطوف به فرد ارسال‌کننده پیام نیست و برای داشتن ارتباط موثر نیاز است که فرد گیرنده نیز تا حدی مخاطب خود را بشناسد و از احساسات او باخبر باشد. گوش دادن به صحبت‌های رد و بدل شده می‌تواند در این روند به هر دو طرف ارتباط کمک کند. مرحله بعدی برای داشتن مهارت ارتباط موثر این است که فرد از مهارت همدلی نیز تا حد زیادی برخوردار باشد، چرا که یک انتقال‌دهنده اطلاعات به احساسات و درک فرد مخاطب خود بسیار اهمیت می‌دهد. شخصی که در مهارت ارتباط موثر تبحر دارد دارای ویژگی‌ها رفتاری خاصی است که به مهمترین آن ها اشاره می‌کنیم:

- خود را به خوبی می‌شناسد و با خود در صلح درونی به سر می‌برد.
- خود و دیگران را همان‌گونه که هستند می‌پذیرد و تصمیم به تغییر و اصلاح آنها ندارد.
- اراده و انگیزه زیادی جهت انجام کارها و وظایف خود دارد.

- در تصمیم‌گیری مهارت زیادی دارد و به راحتی تصمیمات خود را عملی می‌کند.
- به راحتی با افراد جدید ارتباط می‌گیرد و فرد بسیار اجتماعی و خوش‌مشربی است.

در خاتمه باید یادآور شد که مطالب گفته شده فقط جمله پیشنهادی دارند و یک مربی و مدرس خوب باید توجه داشته باشد که روش های مختلف را آزمایش کند ترکیب نماید و آنهارا شرایط روحی و روانی و شخصیت خود هنگام تدریس هماهنگ نماید و همیشه به خلاقیت خود در انتقال مفاهیم تکیه کند.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

۱- آقازاده، محمد(۱۳۹۸) بررسی انگیزه شناسی کار، فصلنامه انگیزش، چاپ سوم، انتشارات نوپردازان

۲- احدیان، محمد(۱۳۹۹) مقدمات تکنولوژی آموزشی، چاپ دوم، انتشارات آییژ

۳ - اندرسون، لوین (۱۳۹۶) افزایش اثر بخشی معلمان در فرایند تدریس. ترجمۀ محمد امینی. چاپ دوم، انتشارات مدرسه

۴- پارسا، محمد (۱۳۹۰) روانشناسی تربیتی، انتشارات سخن، چاپ یازدهم، تهران

۵- تقی پورظهیر، علی (۱۳۹۸) برنامه ریزی آموزشی ودرسی، انتشارات آگه، چاپ چهلم، نشر آذر

۶- جوانی، کبری(۱۳۹۲). بررسی دیدگاه معلمان دوره تحصیلی ابتدائی و راهنمائی در مورد موانع اجراء و به‌کارگیری الگوها و روش‌های نوین تدریس معلمان آموزش و پرورش شهرستان اسلامشهر، پایان نامه ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

۷- رضائیان، علی(۱۳۹۹) مبانی مدیریت رفتار سازمانی، چاپ دوم، انتشارات سمت

۸- رمضانی، عباس(۱۳۹۶) بررسی خلاقیت دانش آموزان بانگرش فرزندپروری والدین درمدارس مقطع راهنمائی پسرانه ودخترانه استعدادهای درخشان شهرارومیه، پایان نامه ارشد

۹-سجودی، عیسی (۱۳۸۸) بررسی تأثیر استفاده از روش های تدریس مشارکتی در کتاب جدید فارسی بر تقویت مهارت خواندن دانش آموزان کلاس اوّل راهنمایی شهر نیر، پایان نامه ارشد دانشگاه پیام نور استان تهران

۱۰- سلیمانی، نادر(۱۴۰۰) نظارت وراهنمایی آموزشی، انتشارات سنجش، چاپ ششم تهران

۱۱- سنگری، محمد رضا(۱۳۹۷) طراحی آموزشی و روش تدریس، انتشارات مدرسه، تهران، چاپ ششم

۱۲- سیف، علی اکبر (۱۳۹۰) روانشناسی پرورشی نوین : روانشناسی یادگیری وآموزش، انتشارات تهران: دوران -چاپ یازدهم

۱۳- شریفی، سمیرا(۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر در تشویق معلمان و تاثیر آن بر ایجاد انگیزه در آنان از دیدگاه معلمان مقطع متوسطه شهرستان کرج در سال ۹۰-۱۳۸۹، پایان نامه ارشد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

۱۴- شعاری نژاد، اکبر(۱۳۹۴) یادداشت هایی درباره نظریه های انگیزش در آموزش وپرورش، انتشارات پویا، چاپ سوم

۱۵- شعبانی، حسن(۱۳۹۲) مهارت های آموزشی وپرورشی (روشها و فنون تدریس)، انتشارات سمت، تهران

۱۶- شفیع آبادی، عبدا. . (۱۳۹۰) راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه ای، انتشارات رشد، چاپ بیستم

۱۷- عسکری، گیتا؛ کلدی، علیرضا (۱۳۸۲). بررسی میزان رضایت شغلی معلمان ابتدایی آموزش و پرورش. تهران. پایان نامه دکترا، رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

ب) منابع لاتین

۱-Bakker, A. , Schaufeli W. B. (۲۰۲۱). Positive organizational behavior: Engaged

employee in flourishing organizations. Journal of Organizational Behavior, ۲۹.

۲-Bandura, A. (۲۰۱۸). Social foundations of thought and action. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall

۳-Bandura,Albert. (۲۰۱۹) Self-efficacy: the exercise of control. New York: W. H Freeman.

٤-Carver, C. S. , & Scheier, M. F. (۲۰۰۳). Optimism. In C. R. Snyder & S. J. Lopez (Eds.), Handbook of positive psychology (pp. ۲۳۱-۲٤۳). Oxford: Oxford University Press.

٥-Chemers, M. M. , Watson, C. B. , & May, S. T. (۲۰۰۰). Dispositional affect and leadership effectiveness: A comparison of self-esteem optimism, and efficacy. Personality and Social Psychology Bulletin, ۲٦, ۲٦۷-۲۷۷.

classroom academic performance. Journal of educational,۸۱(۱), ۳۳-٤۰

٦-Conger Jay. A, Rabindra. N Kanungo. (۲۰۱٤) "The Empowermentprocess: Integrating theory and practice". Academy of Management Review. V ۱۳,N ۳. pp ٤۷۱-٤۸۲.